خبر

برنامه سینما فرهنگ، گفت‌وگو و مباحث آموزشی دارد

رضا غیور، تهیه‌کننده برنامه «سینما فرهنگ» در حاشیه سی و نهمین جشنواره فیلم کوتاه تهران درباره این ویژه‌برنامه رادیو فرهنگ گفت: برنامه «سینما فرهنگ» برنامه هفتگی رادیو فرهنگ است و پیش از این که ویژه‌برنامه باشد، پنجشنبه‌ها پخش می‌شد. با توجه به این که سی و نهمین دوره از جشنواره فیلم کوتاه را می‌گذرانیم اخبار جشنواره را در مدت زمان برگزاری این رویداد، همه‌روزه ساعت ۱۷ الی ۱۸ پوشش می‌دهیم. وی درباره آیتم‌های مختلف این ویژه‌برنامه عنوان کرد: در بخش مهمان‌های حضوری بیشتر با فیلمسازان، عوامل جشنواره، داور، دبیر و ... گفت‌وگو می‌کنیم. آیتم‌های تولیدی نیز داریم که در آن بخشی از صداهای فیلم‌ها، آنونس‌ها و آیتم‌هایی را که خود جشنواره ارائه داده و صدای‌شان قابل پخش است برای این که مخاطبان بتوانند با فضایی که در جشنواره درحال شکل‌گیری و برگزارشدن است، آشنا شوند.

غیور ضمن بیان این که «سینما فرهنگ» برنامه‌ای تخصصی است که علاوه بر نقد و گفت‌وگو درباره فیلم‌ها، بحث آموزشی هم دارد، بیان کرد: رادیو به دلیل شکل رسانه‌ای که دارد برای مناطق کمتر برخوردار هم برنامه تولید می‌کند، شاید مکان‌های دوردستی باشد که در آن افرادی زندگی می‌کنند که علاقه‌مند به سینما باشند اما دسترسی و امکانات ورود به این حوزه را ندارند برای همین شاید کسی با شنیدن این برنامه بتواند با واقعیت سینما آشنا شود و در مسیری قرار گیرد که وارد این فضای حرفه‌ای شود.

ببینید و بشنوید

شبکه یک

۱۱:۲۰	آفتاب شرقی
۱۲:۲۵	سیمای خانواده
۱۹:۱۵	مسابقه ایران
۲۲:۱۵	مجموعه «چادر گلدار»: این سریال روایتگر داستان یک مادربزرگ است که تلاش می‌کند گره‌های زندگی نوه‌اش را باز کند و وارد حواشی و ماجراهای او می‌شود. در خلاصه داستان سریال آمده است: در کنار ما انسان‌های بزرگی زندگی می‌کنند که ما توانایی‌ها و ویژگی‌های آنها را به‌خوبی درک نمی‌کنیم؛ مینا جعفرزاده، مهتاج نجومی، رامین ناصرنصیر، علیرضا استادی و سوگل طهماسبی از جمله بازیگران چادر گلدار هستند.

شبکه دو

۱۲:۱۵	مسابقه محیا
۱۵:۱۵	باغ شادونه
۱۸:۰۵	کام شیرین
۱۹	اقیانوس آرام
۲۱:۳۰	سریال «آتش سرد»

شبکه چهار

۱۴	نغمه‌ها
۱۸	مجموعه «خانم ماریل»
۲۱:۳۰	چهارسوی علم
۲۲:۳۰	شیوه

شبکه پنج

۸	سلام تهران
۱۳:۲۵	شهر برگ
۱۴:۰۵	بچه‌های ایران
۱۶	در شهر
۲۱:۲۵	جشنواره فیلم کوتاه
۲۳	سریال «شبح را بگیر»

شبکه افق

۱۶	انارستان: برنامه‌ای ترکیبی شامل گفت‌وگو با متخصصان طب سنتی پیرامون راهکارهای پیشگیری و درمان بیماری‌ها همراه با آیتم‌های گوناگون درباره طب سنتی و سبک زندگی سالم
۱۸	جشنواره فیلم کوتاه تهران
۲۰	سوریه، پرونده یک بحران
۲۱	مسابقه رزم آوران
۲۲	جهان‌آرا
۲۳	سریال «وضعیت سفید»

شبکه قرآن و معارف

۱۲	ترتیل خوانی نیم جزء قرآن کریم
۱۳:۱۰	هشتگ دین
۱۶	منم بچه مسلمان
۱۹	یاد خدا
۲۰	خوشبخت

شبکه‌های رادیویی

۱۱	بهترین دوست من
۱۳	خیال نقش
۱۵	حادثه مائتی
۱۷	داری دیوونم می‌کنی
۱۹	آبی بیکران
۲۱	تنها در خانه ۵
۲۳	همه خوب هستند

شبکه‌های رادیویی

۱۳:۱۵	رادیو سلامت/ غذا، سلامت، زندگی (بررسی نقش تغذیه در پیشگیری از ابتلا به کبد چرب با حضور دکتر سعید دعایی دکتری تغذیه)
۱۹	رادیو تهران/ مسابقه رادیویی صفر بیست و یک
۲۲	رادیو جوان/ منحصر به فرد (بررسی اندیشه‌های نو)
۲۳:۱۵	رادیو ورزش/ نسخه ورزشی
۲۱:۲۵	جشنواره فیلم کوتاه
۲۳	سریال «شبح را بگیر»

گفت‌وگوی «جام جم» با رضا محمدنیا، تهیه کننده مجموعه مستند «آبروی کوچه‌ها»

داستان ستاره‌های پشت خاکریز

زینب علیپور طهرانی
رسانه گروه رسانه

هر کدام از کوچه‌های این شهر به نام یکی از شهدای قهرمان مزین شده است؛ مردانی بی‌ادعا که با ایمان قلبی و اعتقاد به میهن و مردم، جان‌شان را کف دست‌شان گرفتند و مقابل دشمن ایستادگی کردند. حال برای این‌که بهتر و بیشتر با سبک زندگی، تفکرات و منش این افراد آشنا شویم، شبکه‌پنج سیما برنامه‌ای با عنوان «آبروی کوچه‌ها» را روی آنتن دارد که همزمان در حال تولید قسمت‌های دیگر این مجموعه نیز هست؛ مجموعه مستندی که چند سالی است به یکی از برنامه‌های برجسته این شبکه تبدیل شده و سری جدید آن به تهیه‌کنندگی رضا محمدنیا با تغییراتی همراه بوده است. این برنامه در فصل تازه‌اش در ۲۶قسمت طراحی شده و تیم سازنده سعی داشته از زاویه جدیدی به زندگی این ستاره‌ها که آسمانی شدند بپردازد. از این رو جام‌جم با رضا محمدنیا تهیه‌کننده آن گفت وگویی داشته که ماحصل آن را درادامه می‌خوانید:

درباره شهدا و زندگی‌نامه آنها مستندهای بسیاری ساخته شده و روی آنتن شبکه‌های سیما رفته است اما آبروی کوچه‌ها، وجه تمایز بسیاری با سایر مجموعه‌ها دارد. شما در سری جدید که تهیه‌کنندگی آن را به عهده گرفتید، سعی کردید چه تفاوت‌هایی ایجاد کنید تا نسل جدید هم با این اثر ارتباط برقرار کند؟

وقتی ساخت سری جدید این برنامه به ما سپرده شد، دو سه نکته مهم را در ساخت این مجموعه در نظر داشتیم. یکی این‌که سعی کردیم فرم برنامه به‌نسبت سری‌های قبل و همچنین مستندهای معمول تلویزیون متفاوت باشد. به این معنا که آبروی کوچه‌ها، کلمه دوپهلویی است که برای این مجموعه به کار گرفته شده است. یعنی اسامی‌ای که سردر کوچه‌ها با نام شهدا مزین شده هم به خاطر شجاعتی است که داشتند و هم این‌که سراغ شهدایی رفتیم که در دوران حیات‌شان برای کوچه و محله‌شان کارهایی انجام داده‌اند.

یعنی شهدا را بر اساس سبک زندگی‌شان انتخاب کرده‌اید؟

بله به نوعی آبروی محله و کوچه‌شان هستند. یعنی همان سبک زندگی‌شان در انتخاب آنها مؤثر بود. بنابراین ما سراغ شهدایی رفتیم که در دوران حیات‌شان فعالیت‌های اجتماعی انجام می‌دادند یا این‌که توجه به همسایه و اهل محله برای‌شان مهم بوده است. به عنوان مثال، شهیدی را در شهرری رصد کردیم که هوای کودکان کار را داشته است. این مهم است سراغ آدم‌هایی برویم که در طول زندگی خود برای دیگران کاری کرده باشند. البته ما در این فصل سراغ شهدای شهرستان‌های استان تهران مثل شهرری، شهریار و قرچک رفتیم و هنوز به شهدای تهران نپرداخته‌ایم.

با این حساب کار تحقیق و پژوهش سخت، طولانی و حساسی داشتید تا در انتخاب به این افراد برسید؟

بله، ما یک تیم تحقیق و پژوهش داریم که خیلی سختگیرانه انتخاب می‌کنند. اصلا دلیل این‌که سرعت ضبط ما پایین است، همین مسأله است.

در غیر این‌صورت می‌توانستیم ۲۶ قسمت را تا الان ضبط کرده باشیم اما دقت و حساسیتی که در این زمینه داریم، باعث می‌شود سرعت کارمان پایین بیاید. به‌دنبال این بودیم که قصه‌های جذاب و شنیدنی برای گفتن پیدا کنیم. بنابراین خیلی مهم است که قصه‌ای برای تعریف وجود داشته باشد. از طرفی همان‌طور که می‌دانید هر قسمت از برنامه ما چهار اپیزود دارد. در اپیزود یک و ۲ سراغ راویانی می‌رویم که آن شهید را می‌شناختند که ترجیح می‌دهیم سراغ افرادی برویم که شهدا را از نزدیک دیده باشند و با اقداماتی که انجام داده‌اند، آشنا باشند. در اپیزود۳، سراغ خانواده شهید می‌رویم و در اپیزود پایانی در آن محله استیج برگزار می‌کنیم.

اتفاقا یکی از ویژگی‌های مثبت این مجموعه ریتم خوبی است که دارد. ضمن این‌که آیتم‌های مختلفی را برای معرفی آن شهید طراحی کرده‌اید. در صورتی که می‌توانستید خیلی راحت کار کنید و از آشنایان و خانواده آن شهدا مصاحبه بگیرید اما تفاوت‌هایی را در این مجموعه ایجاد کردید که باعث جذابیت آن شده است. در این باره توضیح می‌دهید؟

بله، به هر حال مصاحبه با خانواده، دوستان و آشنایان شهید کار راحت‌تری بود اما می‌خواستیم کار بهتر، جذاب‌تر و تاثیرگذارتری انجام دهیم. به همین دلیل حتی در همین برنامه هم سعی کردیم در کنار گفت‌وگویی که با خانواده شهید در خانه‌اش انجام می‌دهیم، نگاهی هم به فضاهایی بیندازیم که آن شهید تجربه کرده است. مثلا در قسمت سوم که این هفته پخش شد، روستایی به نام داوودآباد در قرچک وجود دارد که پدر و مادر شهید اصلا نمی‌دانستند کجاست. ما به آن روستا رفتیم و از طریق یکی از معلم‌ها متوجه شدیم شهید برای بچه‌های کم بضاعت آنجا اقلام توزیع می‌کرده است. بنابراین ما صرفا به تعریف کردن بسنده نکردیم و خودمان تحقیق و کندوکاو کردیم. به هر حال مستند یعنی جست‌وجو کردن. این‌که با یک نفر بنشینیم و مصاحبه کنیم و بعد بگوییم مستند ساخته‌ایم، نه در فرم مستند اتفاق افتاده و نه در محتوا. پس این جست‌وجو خیلی مهم است و به ریتم کار کمک می‌کند و باعث خستگی مخاطب هم نمی‌شود. از طرفی آیتم نمایشی، پلاک کوبی و بحث نقاشی‌ها را در این مجموعه داریم که در سری قبل نداشتیم و به این فصل از کار اضافه شده است.

من پیش از این کارگردانی فصل اول مجموعه «پریزاد» را برعهده داشتم و در آن کار هم سعی می‌کردم مولفه‌ها را کم‌کم به مستند اضافه کنم.

با توضیحی که در این باره دادید، برای‌مان می‌گویید که فلسفه نمایش در یک مستند تلویزیونی چیست که شما در آبروی کوچه‌ها از آن استفاده کردید؟

اغلب مستندهای تلویزیونی با نریشن جلو می‌رود اما ما دنبال یک کار متفاوت بودیم. بنابراین برای اولین‌بار نمایشنامه‌خوانی را وارد یک مستند کردیم، به‌جای این‌که پلاتوی مجری را داشته باشیم. با این کار یک وجه هنری هم به برنامه اضافه شد که گزیده‌ای و اشاره‌ای به داستانی است که می‌خواهیم ببینیم. برای این کار هم از بازیگران تئاتر دعوت به همکاری کردیم و به‌نوعی این آیتم، امضای کار ما شد. نکته بعد استفاده از عنصر نقاشی در این مجموعه بود. یعنی به‌جای این‌که روی صحبت راوی یک‌سری تصاویر بی‌ارتباط ببینیم یا این‌که سراغ عنصر بازسازی که خیلی متداول شده برویم، سراغ طراحی و نقاشی رفتیم. یعنی طراح ما چیزهایی را که راوی تعریف می‌کند، فریم به فریم می‌کشد. به خاطر این‌که آسیبی که در اغلب برنامه‌ها وجود دارد این است که برنامه‌ها ساختار رادیویی دارد. یعنی اگر شما در اتاق دیگری باشید و کار دیگری انجام دهید، همین که صدای تلویزیون بلند باشد برای‌تان کافی است تا بدانید آن برنامه چیست. ما برای این‌که چنین عنصری را در مجموعه خودمان کمرنگ و از عنصر تصویر بیشتر استفاده کنیم، سعی کردیم در بخش‌هایی متناسب با صحبت‌های راوی یا خانواده شهید نقاشی بگذاریم تا وجه تصویری کار هم حفظ شود و صرفا به دیالوگ‌گفتن بسنده نشود و رادیویی نشویم.

چطور شد که آیتم استیج را به این مستند اضافه کردید؟ فکر می‌کنید این بخش از کار چقدر به جذابیت مستند کمک می‌کند؟

ما به هر محله‌ای که می‌رویم و تصویر می‌گیریم، با همکاری و کمک بچه‌های همان محله استیج می‌گیریم. البته دوستان در بنیاد شهید و بچه‌های بسیج محله و خانواده شهدا هم در این امر به ما کمک می‌کنند. ما در آن محله استیج می‌زنیم و یادواره‌ای می‌گیریم و ادای احترامی به آن شهید می‌کنیم. معمولا یکی از اعضای خانواده آن شهید هم برای بقیه صحبت می‌کند. چون ممکن است همرزم شهید یا هم‌محله‌ای‌هایش خاطره‌ای از آن شهید داشته باشند که برای بقیه جالب باشد. در انتهای مراسم همان‌طور که دیدید جشن امضا داریم که روی پرتره‌ای که از شهید داریم دوستانش امضا می‌کنند و درنهایت هم یک پلاک‌کوبی سردر خانه شهید داریم. به‌هرحال وقتی از روال متداول تولید مستند کمی فاصله می‌گیریم و سعی در ایجاد جذابیت و تفاوت داریم، همین موضوع به بیشتردیده‌شدن کار کمک می‌کند.

نکته مهم و جالب مجموعه شما تیتراژ آن است که تکرار نمی‌شود و هر قسمت تیتراژ جداگانه‌ای دارد. همین موضوع کار را سخت‌تر هم می‌کند. چطور به این فکر افتادید که یک تیتراژ واحد و مشترک نداشته باشید و برای هر قسمت، یک تیتراژ طراحی کنید؟

مطمئن هستم که هیچ برنامه‌ای این کار را انجام نداده است. یعنی یک تیتراژ می‌سازند و در تمام قسمت‌ها تکرار می‌شود اما ما ۲۶ قسمت و ۲۶ تیتراژ داریم. ما تلاش کردیم از همان عنصر نقاشی در هر قسمت استفاده کنیم که هر قسمت با توجه به آن شهید، تغییر و تفاوتی با بقیه قسمت‌ها داشته باشد. یعنی پویایی کار حفظ شود. همین تفاوت‌ها و ویژگی‌ها باعث تعامل با مخاطب هم شد. نکته‌ای که وجود دارد این است شما هرچقدر زاویه‌دیدتان اجتماعی‌تر باشد، یعنی مردمی‌تر به داستان نگاه کنید مردم هم با شما همکاری می‌کنند. به همین دلیل است که در همین چند قسمت با واکنش‌های مثبتی روبه‌رو شدیم. همین باعث شد تعامل خوبی با مردم داشته باشیم. چون تصویر عجیب و دست‌نیافتنی از شهدا به مخاطب ارائه ندادیم و چیزهایی را در این مستند گفتیم که در محله‌شان اتفاق افتاده است. این باعث همراهی مردم می‌شود. چون دغدغه‌های‌شان مطرح می‌شود. ما هم در این مجموعه سعی کردیم سبک زندگی شهدا را ترویج دهیم. مثلا این‌که همسایه برای‌مان مهم باشد و این فرهنگ دیگران مهم‌ترند جزو آموزه‌های شهدا به ما باشد. البته در این زمینه ادعایی نداریم اما همین که بتوانیم بخشی از آن را به تصویر بکشیم، در این تعامل و همکاری تاثیرگذار خواهد بود.

به خصوص برای نسل جدید که فقط اسامی این افراد را روی سردر کوچه‌ها می‌بیند و شناخت کاملی از آنها ندارد، می‌تواند تاثیرگذار باشد.

بله. شجاعت و ازخودگذشتگی و جنگیدن یک وجه از شهدا بوده و آنها وجوه دیگری هم دارند که باید به تصویر کشیده شود. مثلا یک شهید مدافع حرم را داریم که مربی تکواندو بوده و از آنجا که نانچیکو ابزار ورزشی گرانی است، برای بچه‌هایی که نمی‌توانستند آن را تهیه کنند، خودش به اتفاق خواهرش با دست خودشان آنها را ساخته و در اختیار بچه‌ها قرار داده‌اند.

بنابراین ما صرفا به وجه شجاعت آنها نمی‌پردازیم، به وجوه دیگری از این افراد و زندگی‌شان هم می‌پردازیم. وجوهی که ممکن است خانواده یا اهل محله از آن بی‌اطلاع باشند.

درنگ

تاثیر غیرقابل انکار شهدا

محمدنیا در پاسخ به این سؤال که از بین داستان‌هایی که روایت شده، با زندگی شهیدی هم برخورد کرده که او را شگفت‌زده کند و حتی یک‌سری نکات اخلاقی را از او یاد بگیرد می‌گوید: هرکدام از آنها زندگی و اخلاق و منش خاصی داشتند اما این اواخر درباره شهیدی تحقیق می‌کردیم که به خانواده‌اش گفته بود اگر من شهید شدم به‌جای من سرپرستی یک یتیم را برعهده بگیرید و از او نگهداری کنید که خانواده‌اش همین کار را کرده‌اند. یا شهیدی که در زمان حیاتش جهیزیه یک دختر یتیم را تامین کرده و خانواده‌اش از این موضوع بی‌اطلاع بودند. بالاخره این خاص‌بودن شهدا روی ما هم تاثیر می‌گذارد.

زادروز

مجری «آب و آتش» ۵۳ ساله شد

سیاوش مفیدی از آن دست بازیگران است که در کنار تجربه بازی، اجرا هم داشته است. او هرازگاهی برنامه‌های اجتماعی را اجرا می‌کند و این روزها هم اجرای مسابقه «آب‌وآتش» را در کنار شهاب عباسی به عهده دارد که از شبکه نسیم پخش می‌شود. او به همراه عباسی تلاش کرده تا اجرای نرم و روان و همراه با شرکت‌کنندگان داشته باشد تا از چارچوب‌های کلیشه اجرا فاصله بگیرد. این هنرمند این روزها شمع ۵۳سالگی‌اش را فوت می‌کند. وی سال ۷۵ با حضور در مجموعه تلویزیونی «غبار نور» به کارگردانی محمدرضا اصلانی وارد دنیای بازیگری شده است. از دیگر کارهای او می‌توان به مجموعه‌های «آژانس دوستی»، «سه‌دونگ سه‌دونگ»، «نوروز رنگی»، «پلاک ۱۳» و ... نام برد.

موج

همراه با «سایه ابر» در رادیونمایش

رادیونمایش برای مخاطبان رادیو نمایش‌های متنوعی بر مبنای نمایشنامه‌های ایرانی و خارجی تهیه و روانه آنتن می‌کند. برخی نمایش‌ها اقتباس از آثار دنیاست و تنظیم رادیویی می‌شود و برخی نمایش‌ها هم نوشته می‌شوند. رادیونمایش برای این هفته مخاطبان مجموعه رادیویی «سایه ابر» را آماده کرده است. در نمایش‌های رادیویی هم بازیگران بازی می‌کنند و نکته قابل‌تامل این است هنرمندانی که در تصویر حضور دارند در نمایش‌های رادیویی بازی می‌کنند. سایه ابر را لیندا جدائیان نوشته و در خلاصه داستان آن آمده است: فرزندان من گل‌های دستچین یک باغ هستند، رویاهای صادقانه و بحق سروش و سیما، زیر سایه این وصیت پدربزرگ و قوانین مستبدانه سرهنگ محتشم، پدری دیکتاتور به فرجام نمی‌رسد. سایه ابر به کارگردانی مینو جبارزاده، تهیه‌کنندگی فرشاد آذرنیا، افکتوری نازنین حسن‌پور، صدابرداری رضا طاهری و با هنرمندی مونا صفی، شیوا رفیعیان، میرطاهرمظلومی، بهادر ابراهیمی، فریبا طاهری، ماندانا اصلانی، سعید سلطانی، آسیه گرجی، مهرداد مهماندوست، صفاآقاجانی، بیوک میرزایی، سعیده فرضی، نوشین حسن‌زاده، مروارید کریم‌پور و محمدرضا علی هر روز ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه روی آنتن رادیونمایش می‌رود.

سیما

پرونده یک «هک» در شبکه ۵

سریال «شهباز» به نویسندگی مینا خدیوی در ژانر پلیسی - معمایی با موضوع فضای مجازی و پلیس سایبری مدتی است که در شهر تهران در حال تصویربرداری است و این روزها در مراحل پایانی قرار دارد. «شهباز» را حمیدرضا لوافی کارگردانی می‌کند و درباره یک گروه سایبری است که در جست‌وجوی یک هکر بین‌المللی هستند. پلیس سایبری با اشراف بر این فضا با مجرمین برخورد می‌کند و به داستان مردمی هم که از آنها سوءاستفاده شده و مورد نشان افراد خلافکار قرار گرفته‌اند، می‌پردازد.

آرش مجیدی، رضا داودنژاد، علیرضا آرا، میلاد میرزایی، مهدخت مولایی، نیما نادری، سیروس همتی، فاطیما بهارمست، غزال نظر و پاوان افسر از جمله بازیگرانی هستند که در این مجموعه ایفای نقش می‌کنند.

در خلاصه داستان سریال شهباز آمده است: شهباز دو سال در انتظار چنین روزی نشسته است. روزی که همه قرار است با پیداکردن ارغوان، نفسی به راحتی بکشند. غافل از این که این بازی، چرخشی دیگر در پیش دارد.